

## آثار مبارک حضرت شوقی ربّانی در دوره نخستین ولایت

شاپور راسخ

دوران ولایت حضرت شوقی ربّانی از آخر سال ۱۹۲۱ آغاز شد و با صعود غیر مترقب آن حضرت در اواخر سال ۱۹۵۷ پایان گرفت. در این گفتار از بحث در باره زندگی و خدمات آن حضرت می‌گذریم که مقالات و رسالات و کتب متعدّد در باره آن نگاشته شده است. انجمن هنر و ادب لندن یک دوره خود را به مطالعه عصر ولایت اختصاص داد که حاصل آن خوشه‌های خرمن ادب و هنر شماره یازده حاوی مقالات متعدّد در باره آن حضرت است و این بنده هم در همان خوشه‌های خرمن ادب و هنر، اما در شماره نه مقاله‌ای در باره «جایگاه حضرت شوقی ربّانی در تاریخ بهائی» دارد که مفید این بحث است و در پایان این گفتار هم فهرستی از اهم آثار در باره دوره ولایت ارائه می‌شود.

محققان بهائی نظیر دکتر وحید رأفتی گفته و نوشته‌اند که دوران سی و شش ساله ولایت حضرت شوقی ربّانی به طور عمده و نه انحصاراً صرف سه کار در خدمت سه لوح مهمّ شد: اوّل احداث مرکز جهانی بهائی به تبعیت از لوح مبارک کرمل اثر

حضرت بهاء الله که منشور مرکز جهانی و بنیادگذار بیت العدل اعظم الهی شناخته شده است. دوّم احداث نظم اداری بهائی به پیروی از الواح وصایای حضرت عبدالبهاء که به عنوان منشور نظم اداری بهائی اعلام شده است. سوّم اجرای نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء که یرلیغ بلیغ تبلیغ و مهاجرت است و آن را مرکز میثاق اهل بهاء در سال های ۱۹۱۷ - ۱۹۱۶ میلادی طی چهارده لوح خطاب به احبای آمریکا و کانادا مرقوم و صادر فرموده اند.

البته برای این خدمات باید به کرسی نشاندن میثاق بهائی، برانداختن نقض عهد، اثبات استقلال امر بهائی نسبت به ادیان سابقه، دستور جمع و ثبت و حفظ آثار مبارکه بهائی و بسیار خدمات عمده دیگر را اضافه کرد.

در سال های ۱۹۳۲ - ۱۹۲۲ تمرکز فعالیت حضرت ولی امرالله بر روی توضیح و تشریح نظم اداری و به اجرا نهادن آن در سراسر عالم بهائی بود. این نظم اداری که منشأ آن کتاب اقدس و الواح وصایاست به صورت یک کتاب یا یک دستورالعمل ارائه نشده بلکه در ده ها و صدها توقیعات مبارکه آن حضرت طی دوره مذکور و حتی بعد از آن مذکور و مرقوم شده و در ابتدا در دو مجموعه جمع و چاپ شده است، یکی مجموعه Baha'i Administration و دیگری Principles of Baha'i Administration (اولی را محفل ملی امریکا در سال های ۱۹۲۸ و ۱۹۳۲ نشر کرده و دوّمی را محفل ملی انگلستان در سال ۱۹۷۳) که دوّمی جامع تر از کتاب اول است و شامل حقوق و وظائف افراد بهائی، محافل روحانی محلی و ملی، کانونشن های ملی، صندوق های امری تبرّعات و حقوق الله و مباحثی از این قبیل است که به زبان های مختلف وجود دارد. البته این دستورات اداری به صور دیگری هم جمع و نشر شده است مثلاً زیر عنوان: Guidance for Today and Tomarrow و بعدها Lights of Guidance و نظایر آن.

بی‌شبهه دانشمندان بهائی هم توضیحاتی در مورد این نظم اداری نوشته و منتشر کرده‌اند که در رأس آنها باید از مقاله مفصل هوراس هولی در کتاب عالم بهائی، جلد ۱۳ یاد کرد (زیر عنوان نظم جهانی بهاء‌الله در ۲۲ صفحه) و در سال‌های اخیر هم رساله‌ای توسط جناب علی نخجوانی در همین اکوتو بر اساس تقریرات ایشان انتشار یافته زیر عنوان *Towards World Order (2005)* که مطالعه آن را توصیه می‌کنم و نیز رساله دیگر ایشان را به نام *The Range and Power of His Pen (Acuto 2008)* که این هم درخور توصیه است. فرانسه‌زبانان می‌توانند به رساله‌ای از جناب لویی هنوزه *L' Ordre administratif de Baha'u'llah* در ۳۸ صفحه، نشر ۱۹۸۱ مراجعه کنند.

در زبان فارسی هم کتاب مشروعات اداری بهائی (۱۹۹۹) تألیف جناب غلام‌علی دهقان برای مطالعه، سودمند است.

## معنی و مفهوم نظم اداری

اول سؤالی که به حقّ می‌توان مطرح کرد، این است که چرا سخن از نظم اداری در میان است و نه سازمان یا تشکیلات جامعه بهائی؟

پاسخ این سؤال را باید از جناب علی نخجوانی شنید که در مقاله‌ای به عنوان ولایت امرالله در عصر تکوین نوشته‌اند (خوشه‌های یازده) در اوایل دوره ولایت، حضرت ولی‌امرالله در آثار خود کلمه نظم را به کار نمی‌بردند و در انگلیسی عبارت *Baha'i Administration* را مورد استفاده قرار می‌دادند در فارسی هم عبارت تشکیلات بهائی مستعمل بود ولیکن خود آن حضرت از سال ۱۹۳۴ به بعد به تدریج کلمه *administration* را در آثار انگلیسی خود کنار گذاشتند و اصطلاح سیستم بهاء‌الله *system of Baha'u'llah* و بالاخره *administrative order* نظم اداری را به کار

بردند. بر طبق توضیحات هیکل اطهر برای احبّای غرب، این کلمه نظم order همان است که در کتاب اقدس آمده که: «قد اضطرب التّظم من هذا التّظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع» نظمی که از قبل حضرت ربّ اعلی در کتاب بیان (باب شانزدهم از واحد سوّم) به آن اشاره فرموده بودند «طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله و یشکر ربّه» به فرموده جناب نخجوانی، این نظم دو مرحله دارد: اوّل نظم اداری و بعد وقتی نظم اداری بالغ شد به مرحله تازه‌ای می‌رسد که آن نظم بدیع حضرت بهاء الله باشد ولی در آثار فارسی حضرت ولیّ امر الله شرح نظم بدیع الهی موکول به توقیع مورّخ نوروز ۱۰۱ بدیع شد (ولی به اختصار) یعنی نظم بدیع الهی و نظم اداری را در یک عبارت که نظم بدیع جهان آرای الهی باشد مندمج فرمودند.

می‌توان فرض کرد یا احتمال داد که علاوه بر سابقه اصطلاح نظم در کتاب بیان و کتاب اقدس، علّت دیگر انتخاب کلمه نظم اداری به جای تشکیلات اداری این بود که در امر بهائی تشکیلات اداری مجزاً و منفک از بقیه آئین بهائی نیست و جزئی از منظومه‌ای است (به قول Super-syatem: Sorokin) که حضرت بهاء الله در ظهور خود به عالم انسانی هدیه فرموده‌اند و خود نظم اداری هم منحصرّاً به امور اداری یعنی تمشیت صوری امور جامعه محدود نمی‌شود بلکه با حیات روحانی و اخلاقی امر مبارک مقرون و با تعالیم اجتماعی این ظهور اعظم مرتبط است چنان که بعداً روشن خواهد شد.

باید یادآور شد که اگر کاربرد نظم در معنای نظم اداری صریح است، ولی کلمه نظم بدیع را حضرت ولیّ امر الله در متون مختلفه به معانی متفاوتی به کار برده‌اند؛ مثلاً در پیام نوروز ۱۰۱ می‌فرمایند: «محافل روحانیّه‌ای که اسّ اساس این نظم بدیع است» که محتملاً نظم بدیع را به همان معنی نظم اداری به کار برده‌اند و نیز در توقیع رضوان ۱۰۵ می‌فرمایند: «این نظم بدیع که به مرور ایام کاملاً در تأسیسات بدیعه‌اش مصوّر و

مشخص خواهد گشت» که باز به ظاهر اشاره به نظم اداری است که شمول بر تأسیسات مختلفه دارد حال آن که در توقیع مورّخ ۸ فوریه ۱۹۳۴ به انگلیسی می فرمایند: «این نظم بدیع عیناً همان مدنیت الهیه است که شریعت غزای حضرت بهاء الله باید در ارض مستقر سازد» که به نظر می رسد در این جا مراد از نظم بدیع، نظم جهان آرای الهی است که ثمره آن مدنیت جهانی است.

در جای دیگر می فرمایند: «نظم اداری هسته مرکزی و محور و الگوی نظم بدیع است»<sup>(۱)</sup> و در نتیجه نظم اداری و نظم بدیع به معانی متفاوت به کار رفته اند و بالاخره در مجلّدات کتاب عالم بهائی که زیر نظر خود حضرت ولیّ امرالله از سال ۶- ۱۹۲۵ به بعد منتشر می شد بخشی هست زیر عنوان «نظم جهانی بهاء الله» که بیشتر بحث آن در باره تشکیل محافل ملی و خدمات آن ها و مباحثی از این قبیل است.

پیتر اسمیت در دائرة المعارف کوچک خود، نظم جهانی را چنین تعریف می کند:

«نظم جهانی، طرح جامعه جهانی بهائی آینده است که حضرت ولیّ امرالله در بعضی از توقیعات خود در حوالی سنه ۱۹۳۶ ترسیم فرمودند. حضرت بهاء الله وعده فرموده اند که صلح اعظم نمودار نظم بدیع جهانی است که جایگزین نظام یعنی سیستم معیوب کنونی خواهد شد و این نظم نتیجه عملی روحانی شدن جهان و آمیختگی و پیوستگی ملل متنوعه عالم خواهد بود و نمودار بلوغ عالم انسانی. این نظم جهان آرا شامل تشکیل یک جامعه جهان شمول، ظهور شهروندی جهانی و بسط فرهنگ و تمدن جهانی خواهد بود و سرآغاز عصر طلائی امر بهائی اما نظم اداری یا تشکیلات که بهائیان به وجود آورده و می آورند پایه Basis این نظم جهانی خواهد بود. نظم بدیع جهانی علاوه بر جامعه مشترک المنافع جهانی شامل یک سیستم (حکومتی) فدرال جهانی خواهد بود که همه ملل عالم را متحد خواهد کرد و شامل قوای ثلاثه بین المللی مقننه، قضائیه و مجریه خواهد بود.»

امّه البهّاء روحیه خانم در کتاب گوهر یکتا Pearl Priceless می فرمایند:

«نظم اداری امر حضرت بهاءالله که مقزّر است تحوّل یافته و به جامعه مشترک المنافع جهانی بهائی مبدّل شود، به خلاف سیستم‌هایی که بعد از درگذشتن مؤسّسین ادیان مختلفه تشکیل یافتند، مبدائی الهی دارد. دیانتی که این نظم اداری در خدمت آن است و حافظ و مروج آن، ذاتاً فوق طبیعی، فوق ملّی، کاملاً غیر سیاسی، بی طرف، کلاً مخالف هر سیاست یا مکتب فکری است که بکوشد یک نژاد یا طبقه یا ملت خاص را برتر از بقیّه قرار دهد. این آیین از هر نوع نظام کلیسایی آزاد است و نه کشیش دارد و نه مناسک مخصوص مذهبی و تنها از راه تبرّعات آزاد و اختیاری که توسط Priceless مؤمنین تقدیم شود پشتیبانی می شود.»

در ص ۳۴۸ همان کتاب آمده که اساساً نظم اداری حامل و ناقل (Vehicle) نظم جهانی آینده و تمدّن جهانی خواهد بود.

در کتاب دیگر که ملخص همان کتاب گوهر یکتا است (زیر عنوان: «ولّی امر بهائی به انگلیسی» فصل ۱۱ به برخاست نظم اداری اختصاص دارد (ص ۱۶۹ - ۱۴۵) و فصل ۸ به آثار و نوشته‌های حضرت شوقی ربّانی. (۹۹ - ۸۳)

### چرا به یک نظم اداری نیاز هست؟

علاوه بر علل خاصّی که حضرت ولّی امرالله را به تأسیس نظم اداری بهائی برانگیخت، چون کثرت جوامع ملّی و پیچیده شدن کار اداره آنها از مرکز واحد و میل آن حضرت به عدم اتکاء احبّاء بر شخصی فرید که تالی حضرت عبدالبهّاء باشد، شاید بتوان گفت که یک علت دیگر تسریع در تأسیس این نظم، شرایط جدید دنیا بود که در همه جا به همراه تشکل دولت‌های ملّی، بوروکراسی را به وجود آورده بود و چنان که

ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی گفته دولت بزرگ مدرن از دیدگاه فنی به پایگاه بوروکراتیک خود کاملاً وابسته است. در دیدگاه وبر به وجود آمدن بوروکراسی نتیجه منطقی اجرای اصل عقلانیت است که مبنای فعالیت دولت‌ها در دنیای غرب محسوب است.<sup>(۲)</sup> بعداً خواهیم دید که علاوه بر اجرای اصل عقلانیت و تالی آن عدالت، تشکیلات بهائی ملاحظات دیگری هم دارند از قبیل حفظ وحدت جامعه، ترویج حیات روحانی، پرورش استعدادات مکنون در نفوس احباء که در چارچوب تنگ عقلانیت تنها نمی‌گنجد.

### چرا بیت‌العدل اعظم فوراً تشکیل نشد؟

در آغاز دوره ولایت حضرت شوقی ربّانی تصوّر احباء این بود که به زودی بیت‌العدل اعظم تشکیل خواهد شد که آن حضرت را در اداره امور جامعه جهانی بهائی معاضدت کند، لذا عجب نیست که آن حضرت در سال اول تصدی مقام خود عده‌ای از رجال امر را از ممالک مختلفه به ارض اقدس جهت مشورت در این موضوع دعوت فرمودند (۱۹۲۲ م) اما قرائن بسیار حاکی از این است که خود آن حضرت کاملاً وقوف داشتند که تا محافل روحانی محلی و ملی به تعداد کافی و با کیفیت شایسته تشکیل نشود روی آن پایه‌ها و ستون‌های محدود و ضعیف نمی‌توان قلّه شکوهمند وزین بیت‌العدل اعظم را بنا کرد. نه فقط آن حضرت بینش روشنی راجع به نظم اداری داشتند بلکه ارتباط نظم اداری با نظم بدیع جهان آرای الهی که هدف حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس و الواح نازله بعد از آن بود کاملاً در ذهن حضرتش مجسم و مرتسم بود چنان که در اواخر دهه اول دوره ولایت شروع به نگارش هفت توقیع نظم جهانی حضرت بهاء‌الله فرمودند که اگر وقت اقتضا کند در این گفتار به اجمال بحث آنها را آغاز خواهیم کرد لذا احباء لاقبل احبای مطلع، به زودی متوجه

شدند که نظم اداری مقدمه‌ای برای زمینه‌سازی نظم وسیع‌تری است که باید روزی شمول جهانی یابد و تکیه‌گاه مدنیت آینده بهائی گردد.

یادآوری یک توقیع ایام اولیّه ولایت که بعد تحقّق آن را به اجرای نقشه‌های متوالی توسعه و تقویت تشکیلات اداری در سراسر دنیا موکول فرمودند سودمند است در آن توقیع فرمودند:

«تکلیف شدید آن است که افکار را حصر نموده با تمام قوا و به مشورت احباء متوجهاً الی الله و متوکلاً علیه، تمهیدات لازمه را از برای تشکیل آن مرجعی که در مستقبل حلال مشکلات و واضح احکام و شرایع غیر منصوصه و مبین امور مهمّه است حتّی المقدور فراهم آرم.» (از مقاله جناب نخجوانی، ص ۲۹)

### یک توقیع مهم دیگر در باره نظم اداری

بعد از صدور توقیعاتی که در دو مجموعه تشکیلات بهائی و اصول تشکیلات بهائی جمع‌آوری و منتشر شده و ذکر آنها رفت رساله بسیار مهمی از قلم مبارک در سنه ۱۹۳۴ میلادی صادر شد که در زبان فارسی عنوان دور بهائی گرفته و علاوه بر بیان اصول اعتقادات اهل بهاء (و آنچه مسلمانان اصول دین می‌نامند) حاوی توضیحات کافی در باره جایگاه نظم اداری در آیین بهائی، مقایسه آن با انظمه سائره و ارکان اساسی نظم اداری یعنی مؤسسه ولایت و مؤسسه بیت العدل اعظم است.

دور بهائی را از مهم‌ترین آثار حضرت ولی‌امرالله محسوب داشته‌اند و گویند که حکم وصیت‌نامه آن حضرت را دارد. این رساله بعد از سه فصل در باره مقام و مرتبه



حضرت بهاءالله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء فصل تازه‌ای دارد در مورد نظم اداری که دورکن رکین است: ولایت امر و بیت العدل اعظم و به فرموده آن حضرت:

«این نظم اداری چون توسعه یابد و اساسش تحکیم گردد قطعاً قوای مکنونه [در الواح و صایای مبارکه] ظاهر و آشکار خواهد شد و همین که اجزای مرکبه و تأسیسات اصلیه‌اش با کمال اتقان و جدّیت شروع به فعالیت نمود ثابت خواهد کرد که نه تنها قابلیت آن را دارد که به منزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد بلکه نمونه (مدل) کامل آن است و باید در میقات خود عالم انسانی را فرا گیرد.» (ترجمه)

دور بهائی در حکم جمع بندی و سنتز همه مطالبی است که حضرت ولی امرالله طی دهه قبل (۱۹۳۲ - ۱۹۲۲) به صورتی کلی در باره تشکیلات اداری بیان فرموده بودند. ۲۷ صفحه از ۹۷ صفحه رساله دور بهائی اختصاص به این موضوع دارد.

جناب نخجوانی مرقوم فرموده‌اند که حضرت ولی امرالله در نامه‌ای به سال ۱۹۳۵ رساله دور بهائی را ضمیمه یا مکمل تقدیر ناپذیر (Invaluable supplement) لوح عهدی و الواح و صایا خوانده‌اند و خود آن حضرت به عده‌ای از جمله ایادی امرالله فرموده بودند که این توفیق حکم وصیت نامه ایشان را دارد.

خانم الهام افنان (خوشه‌های ۱۱) نوشته است که اهمّیت این توفیق در تثبیت عهد و میثاق و تشریح نظم اداری فوق العاده است.

دکتر سیروس علائی مرقوم داشته است (همان مجموعه): اصول دینی یعنی تئولوژیکی امر بهائی یک جا در این اثر عظیم آمده است و بنا بر این، باید آن را نه تنها از مهم‌ترین آثار حضرت ولی امرالله بلکه از مهم‌ترین آثار امر بهائی شمرد.

## سبک و سیاق توقیعات نظم اداری

نخست نگاهی به شیوه عمومی آثار مبارکه باید کرد و بعد به توقیعات نظم اداری خواهیم پرداخت.

در این زمینه می‌توان به مقاله مفصل این بنده در همان خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر جلد ۹ (۱۹۹۸) زیر عنوان: گفتار درباره سبک سخن فارسی حضرت شوقی ربّانی، ص ۴۰ - ۲۳ مراجعه کرد که فشرده آن این است:

اوصاف عمده سبک سخن مبارک را با این چند خصلت می‌توان عرضه کرد: اولاً: توقیعات آن حضرت غالباً به صورت ترسل و به سبک مرسل است. ثانیاً: عبارات جزیل یعنی محکم و استوار است. ثالثاً: سخنی است منسجم. رابعاً: دارای آهنگ یعنی موزون است و بهره‌مند از سجع متوازی و متوازن و مترادفات و قرینه‌سازی جملات که به کلام لحن خاصّ مطبوعی می‌دهد. خامساً: صنایع لفظی را در آثار آن حضرت می‌توان دید که به صورت طبیعی و بدون تکلف به کار رفته. سادساً: گرایش آن حضرت به استفاده وسیع از لغات و اصطلاحات عربی است، مع‌ذلک لغات عربی مانند فارسی بدون تکلف و تصنع به کار رفته. سابعاً: تمایل آن حضرت متدرّجاً در فارسی مثل انگلیسی به ساخت جملات طولانی است که به قول دکتر جیاکری وسیله‌ایست برای این که مطلب و معنایی را عمیقاً در قلب و روح خواننده جای دهند و به قول خانم بویلز بعید نیست که طولانی نگاشتن جملات تا حدی تحت تأثیر مطالعه آن حضرت در آثار کارلایل باشد. بد نیست که اشاره‌ای سریع به تعداد عظیم آثار مبارکه آن حضرت شود چنان‌که جناب علی نخجوانی در رساله (The Range and Power of His Pen) نوشته‌اند حضرت ولی‌ام‌الله در زبان انگلیسی ۱۱۳۴۵ توقیع مرقوم فرموده‌اند و در زبان‌های فارسی و عربی ۱۲۳۰۸ توقیع و

پیام‌های تلگرافی حضرتش به ۹ هزار بالغ می‌شود در نتیجه جمعاً ۳۲ هزار اثر از آن حضرت برجای مانده است.

چند مقاله به بیان سبک و سیاق آثار آن حضرت پرداخته:

۱. کتاب بینش شوقی افندی (Vision of Shoghi Effendi) که توسط انجمن مطالعات بهائی کانادا در سال ۱۹۹۳ منتشر شده. در آن دو مقاله هست که به این موضوع خاص مربوط می‌شود، یکی از خانم Ann Boyles و دیگری از جناب دکتر علی محمد ورقا.

۲. کتاب گوهر یکتا (Priceless Pearl) از امة‌البهاء روحیه خانم که ملخصش کتاب (The Guardian of the Baha'i Faith) (۱۹۸۸) است فصلی را به آثار قلمی حضرت ولی‌ام‌الله اختصاص داده است.

البته دستورات اداری مبحثی خشک است؛ اما حضرت ولی‌عزیز ام‌الله حتی در تویعات مربوط به نظم اداری به احوال عاطفی مخاطبان خود توجه مخصوص داشته‌اند. با این‌که در این تویعات، سبک مرسل پذیرفته شده و به ظاهر از صنایع لفظی و سجع در آنها خبری نیست؛ اما لحن سخن شورانگیز است و گاه حماسه‌گونه است مثلاً در بیان مقام و موقعیت اعضای محافل روحانی محلی می‌فرمایند (توقیع ۱۹۳۷):

«مصالح روحانیه حزب مظلوم را در دست امنای امرش ودیعه بگذاشت و طوق مسئولیت کبری بر گردن اسیران کویش بینداخت.» (کتاب مشروعات اداری، ص ۴۷)

در توقیع دیگر آمده:

«یکی از تأسیسات مهمّه در هر بلدی استحکام محفل مقدّس روحانی است و انتظام مجمع مشورت یاران رحمانی. اگر این تأسیس عظیم در هر مدینه‌ای رزین و متین شود، هرگونه تأییدی حاصل گردد و هر موهبت و نعمتی کامل شود ... امروز اعظم خدمت به آستان احدیّت، وحدت اهل بهاء است و اساس وحدت، انتظام محافل روحانی اهل بهاء.» (همان، ص ۴۶)

قدرت اقناع روحانی حضرت ولیّ امرالله در این نوع توقیعات جلب نظر می‌کند مثلاً در بیان اهمیّت تبرّعات به صندوق‌ها می‌فرمایند: (ترجمه به مضمون از اصول نظم اداری به زبان فرانسه، ص ۱۰۰): تبرّع معیار و میزان درجه ایمان ما است یا وسیله‌ای است که ما از طریق آن مدل وحدت جامعه را ارائه می‌کنیم و اضافه می‌فرمایند که، می‌دانیم که زندگی در جامعه بهائی الگو و مبنای ملکوت الهی است که در نتیجه هر فرد بهائی باید در این زندگی مشارکت فعال داشته باشد و الّا پایه و اساس عمومی نخواهد بود و اراده الهی که می‌خواهد ابناء انسان یک روح و یک جسم شوند، تحقّق نخواهد یافت.

بر این دو خصلت باید خصلت سوّمی را اضافه کنم و آن وسعت نظر استثنایی آن حضرت است که همیشه در ورای منافع و مصالح جامعه بهائی، منافع و مصالح عالم انسانی را هم در نظر دارند مثلاً در بیان وظایف و تکالیف محافل روحانی ملّی (نسخه فرانسه اصول نظم اداری بهائی، ص ۴۸ - ۴۷) می‌فرمایند که تبلیغ یگانه امری نیست که باید توجّه کامل محفل روحانی را به خود جلب کند بلکه هم‌چنین: این محافل باید به احسن وجه دست کمک به فقرا، مرضی، معلولین، یتام و بیوه‌ها بدون ملاحظه رنگ و طبقه و عقیده دراز کنند و یا باید جلسات منظم برای احباء ترتیب

دهند؛ علاوه بر مجالس مخصوص به منظور ترویج علایق و مصالح اجتماعی، فکری و روحانی هم‌وطنانشان.

پس از این بحث مقدماتی، جای این دارد که برای بحث از آثار اولیّه حضرت ولیّ امرالله وارد گفتگو در مضامین این توقیعات شویم و بدین منظور مطلب را در تحت هفت عنوان ارائه خواهیم کرد:

۱. جایگاه نظم اداری در آیین بهائی

۲. مقایسه این نظم با انظمه مذهبی و عرفی سابق

۳. نگاهی به اصول نظم اداری

۴. ارتباط لاینفک نظم اداری و نظم اخلاقی

۵. ارتباط نظم اداری و نظم بدیع

۶. ارتباط نظم اداری و میثاق بهائی

۷. تحوّل‌پذیری نظم اداری بهائی

## مبحث اوّل، جایگاه نظم اداری در آیین بهائی

در کتاب نظم جهانی بهائی، ص ۱۶ حضرت ولیّ امرالله فرموده‌اند:

«اگر کسی اصول اداری بهائی را از اصول روحانی و انسانی‌اش جدا سازد ضربتی قاطع بر هیکل امر الهی وارد ساخته که مآلاً به تجزیه و تلاشی اجزاء مرگبه‌اش و اضمحلال اساسش منتهی می‌شود.»

در رساله دور بهائی آمده، ص ۷۱-۲ مبادرت به انتزاع تعالیم جمال‌قدم از تأسیساتی که مثل اعلاّی همان تعالیم [حضرت عبدالبهاء] وضع فرموده به منزله ردّ یکی از مقدّس‌ترین حقایق اساسیه این آیین به شمار می‌رود.

در مجموعه نظم اداری بهاءالله (به فرانسه یا انگلیسی) آمده که این نظم اداری را باید چون مجرای دانست که از طریق آن برکات و تأییدات موعود می‌توانند واصل شوند.

پس هم روح امر یعنی روحانیت و هم وسیله و ابزار که نظم اداری باشد، ضرورت دارند و در ارتباط تعاملی کامل هستند و البتّه باید نظم اداری را از تصوّلی که مانع جریان قوای آزادی بخش ظهور الهی می‌شود، محفوظ و مصون داشت.

پس نظم اداری بهائی به عنوان وسیله آیین حضرت بهاءالله تلقی می‌شود و در حکم جانشینی برای روحانیت این امر نیست.

چنان که بعداً خواهیم گفت، در این نظم اداری است که اصول روحانی و اخلاقی امر مبارک تجلی می‌یابد و به موقع اجرا و عمل در می‌آید. در نصوص متعدّد می‌خوانیم که نظم اداری آیین حضرت بهاءالله از منشاء الهی است و ساخته و پرداخته انسان‌ها نیست چنان که در ادیان سابقه اتفاق افتاد.

حضرت ولی‌امرالله فرموده‌اند (مضمون): روحی که حضرت بهاءالله در جهان دمیدند، نمی‌تواند به صورت مستمر و مداوم در عالم بشری نفوذ کند و تأثیر نماید مگر این که به صورت نظمی مشخص و محسوس درآید که حامل نام مبارک باشد و با اصول امرش موافق و برطبق اوامر و قوانین آن حضرت عمل کند.

در توفیق نظم جهانی بهائی، ص ۲۷ - ۲۶ می‌خوانیم: باید دانست که حضرت بهاءالله فقط روحی جدید در کالبد بی‌جان عالم امکان ندیده و فقط کلیاتی را از اصول عمومی بیان نموده و فقط فلسفه مخصوصی را عرضه نرموده است، بلکه علاوه بر آن، حضرت بهاءالله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء یک سلسله قوانینی را وضع و مؤسسات مشخصی را ایجاد کرده و آن چه را که لازمه تأسیس یک مجتمع عظیم الهی است بنیان فرموده‌اند و چنین امری در ادیان گذشته هرگز سابقه نداشته است.

### و روشن ترو ساده تر بگوییم:

این نظم اداری است که موجبات تجمع و تبادل نظر و همکاری احباء را به صورت جامعه واحد فراهم می آورد.

این نظم اداری است که وظایف افراد را برای بسط و گسترش امر بهائی طی نقشه های متوالی معلوم می دارد.

این نظم اداری است که بر بسیاری از اعمال مهمه زندگی چون ازدواج، پرورش اطفال و حل اختلاف بین احباء، اشراف و نظارت دارد.

### مبحث دوم، تمایز نظم اداری بهائی از انظمه مذهبی - عرفی دیگر

نظم اداری بهائی از بسیار جهات در تاریخ ادیان بی سابقه است زیرا هیچ یک از ادیان گذشته به صراحتی که در امر مبارک هست، تکلیف جانشینی مظهر امر یعنی پیامبر و نحوه اداره امور مؤمنین را روشن نکرده بودند. ثانیاً تشکیلاتی که مسئولیت اداره امور مؤمنین را در شرایع گذشته عهده دار شد، بیشتر انعکاس همان تشکیلات سیاسی محل ظهور و ساخته و بافته اندیشه انسانی - جز در موارد استثنایی بود مثل خلافت اسلامی که تشکیلات جامعه قبیله ای عرب قبل از اسلام را ادامه می داد با اندک تصرفاتی و نظام کلیسایی مسیحی هم فی الحقیقه نوعی تقلید از سازماندهی امپراطوری روم بود. ثالثاً نحوه اداره امور مؤمنان ارتباط دقیق و عمیقی با تعلیمات اخلاقی روحانی هر دین نداشت یعنی بر این تعلیمات اضافه شده بود در حالی که در امر مبارک ارتباط استواری بین اخلاقیات و روحانیات از یک سوی و تشکیلات از سوی دیگر وجود دارد. علاوه بر این، منشأ و منبع بسیاری از تشکیلات بهائی چون بیت العدل، مشرق الاذکار، ایادی امرالله، حقوق الله، در خود آثار مؤسس امر الهی و خصوصاً کتاب مستطاب اقدس، گنجینه حدود و احکام آیین نوین مسطور است.

## الف: آیین یهود

در آیین یهود بعد از سال‌ها سرگردانی به دنبال حضرت موسی، عبرانیان بالاخره به سرزمین موعود یعنی فلسطین و یا ارض کنعان رسیدند و با حصول آگاهی به شخصیت و تشخّص قومی خود پادشاهی برای خود برگزیدند و معبد خود را ساختند و مراسم عبادی خود را نظم و سامان بخشیدند و قشری از اقشار یا طبقات مردم را به امور مذهبی منصوب داشتند و تقویمی برای خود ترتیب دادند و جشن‌ها و مراسم و تعطیلات مذهبی را بر پایه راهنمایی‌های حضرت موسی برپا داشتند و بیت المقدّس را مرکز مهمّ روحانی خود کردند مع ذلک مکرراً منازعه میان قبائل اسرائیلی در گرفت و موجب تجزیه و جدایی شد. در مواردی هم یهود تحت تأثیر بت پرستان اقلیم مجاور قرار گرفتند و از این روانبیای بنی اسرائیل آمدند و قانون الهی را به یاد مردم آوردند. در ۵۸۶ ق. م معبد آنها آتش زده شد و جمعیت بسیاری تبعید گردید. در ارض تبعید بود که قوم یهود به وحدت دینی خود هشیاری پیدا کرد و تجدید سازمانی به خود داد و تکیه روی پنج کتاب اوّل عهد عتیق شد (تورات) و قانون موسوی بر اساس تورات بنیاد امور مذهبی و قضایی برقرار گرفت و بخشی از قوم یهود که مجدداً به فلسطین آمدند در سال ۵۲۰ ق معبد خود را دوباره ساختند؛ اما جنگ‌ها و آزارهای مذهبی دو قرن قبل از میلاد و غلبه رومیان و سرانجام ظهور مسیحیت قوم یهود را برگرد تورات تمرکز داد و بر آن روایات شفاهی هم افزوده شد و دو حزب سادوسیان و فارسیسیان در مقابل هم قرار گرفتند. در سال ۷۰ بعد از میلاد مجدداً معبد تخریب شد و آغاز پراکندگی قوم یهود در سراسر عالم (diaspora) روی داد و من بعد این کنیسه‌ها بودند که به حیات دینی ادامه دادند. جوامع یهود اوّل در شرق، بعد در اروپا و سرانجام در آمریکا تشکل یافتند و در هر کجا بودند، به سه چیز وفادار ماندند: خدای واحد، قانون تورات و زبان عبری و بعد زهاد ربّانی طیّ سال‌های پیایی تلمود را درست کردند که مجموعه قوانین مکتوب و سنّت‌های شفاهی است.



پس در مورد حکومت از اوّل نوعی حکومت الهی به وجود آمد و انبیاء بودند که اداره و رهبری جامعه را عهده‌دار شدند چنان که در اسلام حضرت محمّد بودند که طیّ ده سال بر مکه و بعد مکه و مدینه هر دو حکومت کردند و خلفای راشدین نیز خود را خلیفه یعنی جانشین آن حضرت معرفی نمودند.

### ب: مسیحیت

اما در مسیحیت هر چند از ابتدا حضرت مسیح فرمودند که امور حکومت را از امور دین جدا باید کرد اما بعد خواهیم دید که پاپ‌ها به عنوان جانشین «سن پیر» نوعی سلطنت روحانی به تقلید از سازمان‌های سیاسی امپراطوری رومی برای خود به وجود آوردند. پس از شهادت حضرت مسیح حواریون برای انتشار پیام آن حضرت در همه قلمرو رومیان پراکنده شدند و چون دعوت به پرستش امپراطور نمی‌کردند اقبال جماعات کثیر مردم به مسیحیت سبب نگرانی حکومت‌های روم شد؛ لذا مدت دو قرن آزار مذهبی پیش آمد تا روزی که قسطنطین مسیحیت را دین رسمی دولت اعلام کرد. وی در سنه ۲۱۲ فرمان میلان را برای برقراری آزادی دینی ابلاغ کرد و خود مسیحی شد و به یاری او بود که دین نوین حیاتی تازه یافت و او بود که اوّل شورای دینی را در یسیه در سال ۳۲۵ میلادی برقرار کرد که عقاید اصلی مسیحیت را در برابر انحراف جویان مشخص می‌کرد. وقتی روم بر امپراطوری شرق و غرب هر دو مسلط شد، پایتخت را بیزانس قرار دادند و آن را قسطنطنیه نامیدند اما بعد از حملات بربرها این شهر پایتخت امپراطوری شرقی یا بیزانتین (بیزانس) شد و پاتریارش یعنی ریاست فائق دینی رئیس کلیسای یونان شد که خود را ارتدکس اعلام کرد. حال آن که تقریباً با نیروی مساوی مرکزیت روم هم ادامه یافت تا سال ۱۴۳۵ م وقتی با قسطنطین مسیحیت از مرحله مجهولیت بیرون آمد توانست کلیساها را که بعضاً همان جانشین معابد رومی بودند، برقرار کند. در سال ۴۵۱ بود که انفکاک کامل میان کلیسای شرق و

کلیسای غرب واقع شد. کلیسای غرب است که نام کاتولیک گرفت یعنی Universal «سراسری» که فقط اقتدار پاپ و شوراها را قبول دارد و بعد از رنسانس قرنی گذشت تا جدایی کلیسای پروتستان از کلیسای وفادار به آیین کاتولیک و پاپ روی داد.

تئوکراسی کلیسای کاتولیک نیز کاملاً نمودار و آشکار است و البته تجزیه مسیحیت به کلیساهای بسیار متعدّد پروتستانی بعد از کاتولیکی و ارتدکسی و سعی پاپ در حفظ سنن قدیم کلیسا را با مشکلاتی با دنیای مدرن مواجه کرده است.

به قول محقق ایرانی، حسین ظهیری مهرآبادی:

«مسیح نیز چون یهودیان اقتدار خدا را بر تاریخ انسانی حفظ نمود، بنا بر این نمی‌توان نسبت لائیسیته یا سکولاریزاسیون (عرفی کردن) به اقدام مسیح بر ضدّ سزار داد زیرا او هم‌چنان سلطنت اصلی و واقعی را آسمانی می‌داند». (کتاب حکومت و مذهب، ص ۱۲۴)

حال باید یادآور شویم که وقتی در قرون وسطی پاپ‌ها می‌خواستند قدرت مطلق دینی و دنیوی هر دو را در اختیار داشته باشند چه اندازه از تعلیم اصلی حضرت مسیح دوری جستند.

### ج: اسلام

در نظام حکومتی اسلام هم تمایل به تئوکراسی و حکومت مطلقه و نوعی تقلید از نظام پیشین عرب که بر پایه شیخوخیت قبیله‌ای استوار بود مشاهده می‌شود؛ به قول محقق اسلامی ظهیری مهرآبادی:

«اسلام در عمل و نظر از آیین یهود تقلید و پیروی می‌نماید. حضرت محمد بعد از حضرت موسی، هم پیامبر است، هم رئیس دولت و هم فرمانده قوای نظامی

و جنگی. حضرت محمّد چون موسی که قبایل مختلف یهودیان را متحد کرد، قبایل پراکنده و متخاصم اعراب را متحد ساخت و دولتی واحد برایشان ساخت ... توحید از یک سو و ضرورت اطاعت و تسلیم محض هر مسلمان از الله، دیگر جایی برای دگراندیشی یا کثرت‌اندیشی باقی نمی‌گذارد.» (کتاب حکومت و مذهب، ص ۱۲۷)

اگر آن چه را عثمان خلیفه سوّم به نفع طایفه بنی‌امیه کرد به یاد آریم که افراد آن طایفه را در رأس کارهای مهم گذاشت، برایمان روشن می‌شود که اسلام نتوانست کاملاً بر عشیره‌گرایی اعراب غلبه کند و نحوه برخورد اعراب با غیر اعراب به عنوان موالی، گویای همین طرز تفکر کهنه است. پس در اسلام هم دین با سیاست قرین بوده است که در مذهب شیعه با دعوی نیابت از امام برای فقها (اصل ولایت فقیه) این گرایش سیاسی - دنیوی یعنی قدرت‌طلبی به اوج خود می‌رسد.

#### د: مقایسه

اما مقایسه نظم اداری بهائی با نظام‌های عرفی در توقیعات مبارک حضرت ولی‌امرالله معروف به نظم جهانی بهاءالله آمده است. نظم اداری بهائی تقلید هیچ یک از نظام‌های موجود عالم از جمله تئوکراسی نیست. در پی کسب قدرت دنیوی نمی‌رود. در انتخابات بهائی سخنی از کاندیدا کردن و تبلیغات به نفع نامزدان انتخاباتی در میان نیست و این انتخابات در فضای دعا و مناجات و تفکر و مراقبت صورت می‌گیرد. علی‌هذا نظم اداری بهائی از دموکراسی هم متمایز است هرچند روش‌های دموکراتیک را به طور کلی می‌پذیرد. مسئولان تشکیلات بهائی به فرقه یا گروه خاصی تعلق ندارند از جمله به قشر روحانیت یا به احزاب مختلفه. در تشکیلات بهائی هدف، خدمت است نه کسب قدرت و شهرت و هیچ کس حق اصرار و لجاج در آراء خود به عنوان نظریه قاطع بهائی ندارد بلکه حقیقت از راه مشورت گروهی و از تصادم افکار به

یکدیگر روشن می‌شود و البته اعضای تشکیلات هم در برابر وجدان خود مسئول هستند و هم باید به نوعی «شفافیت» را در کارهای خود مدخلیت دهند و به مردم یعنی به احباء، حق اظهار نظر در باره تصمیمات خود را بدهند؛ منتهی نظرات انتقادی باید صورتی سازنده داشته باشد نه آن‌که برای خرد کردن شخصی یا فکری به کار رود.

نظام اداری بهائی هم از استبداد دینی به دور است و هم از استبداد ملکی. آراء عالی‌ترین مؤسسه اداری بهائی یعنی بیت‌العدل به عنوان واجد حقیقت مطلق ابدی تلقی نمی‌شود زیرا خود بیت‌العدل اجازه نسخ و تبدیل تصمیمات خود را با توجه به مقتضیات تازه دارد. اعضای بیت‌العدل از امتیازات مادی و معنوی خاص برخوردار نمی‌شوند و هیچ فرد را نمی‌توان رییس جامعه بهائی تلقی کرد.

### مبحث سوم - نگاهی به اصول نظم اداری بهائی

به رعایت اختصار اصول عمده تشکیلات بهائی را تحت ده عنوان ارائه می‌کند که ضمناً شاخص وجوه امتیاز نظم اداری بهائی در مقام مقایسه با انظمه عرفی و مذهبی است.

اصل اول، جنبه عمیقاً روحانی تشکیلات بهائی است که فی‌المثل در شروع جلسات با مناجات، رویکردی روحانی در موقع انتخابات، تکیه بر روی تعالیم و احکام آیین بهائی نمودار است.

اصل دوم، فقدان قدرت فردی در تشکیلات بهائی است. همه امور جامعه موكول به مشورت و تصمیم‌گیری جمعی است.

اصل سوّم، نبود نظام کاندیداسازی و تبلیغات در هنگام انتخابات است، چه ملّی، چه محلّی. افراد در موقع انتخاب آزادی کامل دارند آراء محرمانه است و هنگام انتخابات فضای دعا و مناجات حاکم است.

اصل چهارم این که در این نظام اداری سلسله مراتب فردی نیست اما سلسله مراتب سازمانی هست؛ بدین صورت که محفل محلّی از قرارهای محفل ملّی تبعیت می کند و محافل ملّی از بیت العدل اعظم عندالافتضاء راهنمایی می گیرند و همواره اطاعت همراه با احترام است.

اصل پنجم، اصولاً نوعی قدوسیّت (یا قداست) نظم اداری بهائی است چون منشأ الهی دارد و افراد جامعه نقش وحدت بخش تشکیلات را ارج می نهند.

اصل ششم آن که جامعه به افراد اکثریّت و اقلیّت یا جناح راست و چپ تقسیم نمی شود، حتّی در موقع ابداء رأی در تشکیلات اولویت با اتّفاق نظر است در غیر این صورت رأی اکثریّت معتبر است، اصرار و لجاج در رأی و اعتراض به تصمیم متّخذ مقبول نیست.

اصل هفتم، وجود انعطاف در تصمیمات و امکان تجدید نظر در آنهاست حتّی در سطح بیت العدل اعظم. در نتیجه تشکیلات بهائی به سوی تحجّر و تصلّب کشیده نمی شود. همیشه امکان انتقاد سازنده و تقاضای تجدید نظر در تصمیمات هست و در بن و بنیاد، اصل نسبی بودن حقیقت پذیرفته شده است و ما به جای خود در باره خصوصیت ارگانیک تشکیلات بهائی اجمالاً سخن خواهیم گفت.

اصل هشتم آن که شرکت و عضویت در تشکیلات مشروط به شرطی نیست یعنی قشر خاصی چون آخوند و کشیش در نظام اداری بهائی حکمران نیست، مع ذلک احترام به

تخصّص مثلاً به صورت مشورت محافل با متخصّصان و ملاحظه تخصّص در انتخاب اعضای کمیته‌ها دیده می‌شود.

اصل نهم، امکان داد و ستد مستمرّ فکری بین تشکیلات و جامعه است. محفل روحانی گزارش اقدامات خود را به جامعه می‌دهد و نظرخواهی می‌کند یعنی مدیریت با شفافیت توأم است ولی در عین حال تشکیلات تابع آراء انتخاب‌کنندگان نیست و قدرت تصمیم‌گیری در مجامع شور (مثلاً محفل روحانی محلی یا ملی) محفوظ است.

اصل دهم، نوعی ثنویت است در تشکیلات که دو پایه مکمل دارد: جناح انتخابی (محفل روحانی) و جناح انتصابی (مشاورین قاره‌ای بعد از ایادی امرالله و هیأت‌های معاونت) و می‌توان گفت نوعی *check and balance* در این تشکیلات منظور شده است.

به صفت ارگانیک تشکیلات بهائی اشاره شد. در رساله «قرن انوار» آمده است:

«از مفاهیمی که بارها در آثار حضرت ولی‌امرالله به کار رفته، استعاره ارگانیک است که حالت تکاملی رشد و نمو موجود زنده را مجسم می‌سازد.» (ترجمه فارسی، ص ۴۳)

کما این که محافل روحانی که در حال حاضر فقط به اداره امور جوامع محلی بهائی می‌پردازند، در آینده ایام به موجب نصّ حضرت عبدالبهاء «اعظم سبب ترقی انسان‌ها در جمیع شئون و احوال» خواهند شد. (همان رساله، ص ۴۶)

در زمان حضرت ولی‌امرالله نه دارالتبلیغ بین‌المللی وجود داشت نه هیأت‌های مشاورین و نه حتی مؤسسه‌ای برای نظارت بر طرح‌های عمرانی و اجتماعی بهائی و این‌ها همه مخلوقات جدید نظم اداری بهائی در تحولات تاریخی آن هستند.

از جهت آن که مبنای مقایسه‌ای بین تشکیلات بهائی و سازمان‌های امروزی جهان در دست باشد، به نظر رسید که شاید مفید باشد بعضی اصول اساسی حسن مدیریت *good governance* را که سازمان‌های بین‌المللی به آنها توجه می‌کنند، مطرح کنیم که خوش‌بختانه اکثر آنها مطمح نظر اهل بهاء بوده است. UNDP یعنی سازمان مسئول برنامه توسعه در سازمان ملل متحد در سندی به سال ۱۹۹۷ هشت اصل را به عنوان اصول اساسی حسن مدیریت تعیین کرده است.<sup>(۳)</sup>

۱. از جمله لوازم حسن مدیریت اصل برابری مشارکت در تصمیم‌گیری است یعنی همه افراد فارغ از جنس و طبقه و نژاد باید مجاز به شرکت در مشاوره راجع به اموری باشند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به زندگی آنها مربوط می‌شود. در جامعه‌های دموکراتیک همه شهروندان می‌توانند به صور مختلف در اخذ تصمیمات شریک باشند (ولو با تعیین وکلای نمایندگان خود)

۲. سازمان باید پاسخ‌گوی نیازهای همه افراد ذی‌ربط باشد البته با توجه به یک زمان‌بندی معقول. پس در مدیریت خوب و مطلوب باید جلب اعتماد همه افراد ذی‌نفع را کرد. برای تحقق این هدف، سازمان باید دارای صلاحیت‌های فنی و شایستگی مدیریت لازم باشد تا قادر به پاسخ‌گویی شود.

۳. سازمان باید اختلاف‌نظرها میان افراد دخیل را میانجی‌گری و حل کند تا بتوان به یک توافق وسیع بین اعضای جامعه رسید.

۴. سازمان باید در برابر افراد یا گروه‌هایی که به خدمت آنها می‌پردازد جوابگویی باشد و به اصطلاح حساب پس دهد *Accountable*.

۵. سازمان باید در جریان تصمیم‌گیری اصل شفافیت را منظور دارد تا افراد ذی‌علاقه و ذی‌ربط در جامعه بتوانند بنیاد و اساس تصمیمات را به خوبی درک و فهم کنند.

۶. سازمان باید در چارچوب قانون کار کند، چارچوبی که منصفانه اعمال شود و با حقوق بشر مطابقت داشته باشد.

۷. تصمیم‌گیرنده‌ها باید دارای یک بینش وسیع درازمدت باشند تا دریابند که چطور می‌شود جریان رشد و بهبود اقتصادی و اجتماعی را استمرار و تداوم بخشید.

۸. حسن مدیریت شامل تضمین حقوق همه افراد است تا بتوانند سطح رفاه خود را حفظ کنند و بهبود بخشند یعنی عموماً و با رعایت اصل مساوات همه تصمیمات باید با آینده‌نگری توأم باشد و البته چنین نوع تصمیم‌گیری با رعایت کامل اصول اخلاقی میسر است.

### مبحث چهارم - نظم اداری و نظم اخلاقی ارتباط لاینفک دارند

از آثار مبارکه بهائی از جمله توقیعات حضرت ولیّ عزیز امرالله برمی‌آید که نظم اداری در ارتباط تنگاتنگ با نظم اخلاقی است. در کتاب ارکان نظم بدیع از توقیعات حضرت ولیّ عزیز امرالله چنین نقل شده که:

«حسن جریان و نظم امور اداری باید همواره با همان درجه از محبت و خلوص و ترقی روحانی توأم باشد، تفکیک یکی از دیگری به منزله سلب حیات از هیکل امر خواهد بود.» (ص ۳۱ - ۳۰)

در آثار حضرتش تشکیلات به جسم یا مجری تشبیه شده‌اند که اگر روح یعنی حیات بهائی و ملکات بهائی در آن‌ها ساری و جاری نباشد از نفوذ و تأثیر باز خواهند ماند. تشکیلات به فرموده آن حضرت وسیله و آلت است نه مقصد و نهایت و تصریح می‌فرمایند که:

«باید مراقبت نمود که مبدا تصلبی در این تأسیسات اداری حاصل شود که جریان قوای آزادی‌بخشی را که ظهور الهی به دنیا عطا نموده است مانع گردد و آن قوا را تحت قید و بند آورد.» (ص ۳۱)



باید توجه داد که افراد بهائی به هنگام انتخابات فی الحقیقه به فضائل اخلاقی رأی می دهند. یعنی به صفاتی چون تقوا، خلوص نیت، سلامت نفس و نظایر آن. ثروتمندی یا شهرت و مقام اجتماعی و نظایر آن اصلاً مطمح نظر نیست چنان که در نصوص ذیل ملاحظه می کنیم:

- ناخبین از مؤمنین و مؤمنات باید با کمال توجه و خلوص و تأمل و تدبیر نفوس مؤمنه مخلصه مجرّبه مقتدره مستعده که قابل عضویت هستند؛ انتخاب نمایند. (مشروعات اداری بهائی، ص ۱۱۴)

- در خصوص تفتین بعضی نفوس متنّفذ بین احبّاء در اوقات انتخابات فرمودند این امری است بسیار وخیم باید به تدابیر الهیه تشبّث کرد و پناه به خداوند قادر علیم برد بلکه این گونه اشخاص منتخب نشوند و پس از انتخاب غلبه نمایند. (همان، ص ۱۱۲)

همواره باید از اعمال نفوذ در افکار و نظریات دیگران و تبلیغات به نفع اشخاص معیته خودداری نمود و لکن باید تأکید کرد که یاران به صفات و شرایط لازمه نفوس منتخبه به طوری که در الواح مبارکه مولای محبوب [حضرت عبدالبهاء] مذکور است، معرفت کامل حاصل نمایند. (همان، ص ۱۱۲)

دوگانگی رفتار با خودی و بیگانه چنان که در جوامع امروزی حتّی جوامع دینی دیده می شود در جامعه بهائی مقبول نیست و فی المثل اگر محبت و صداقت و امانت در قبال خودی ممدوح است در برابر بیگانه هم باید به همین صفات متّصف بود حتّی در نصوص الهی است که خیرخواهی برای هم شهری و هم کیش و هم وطن کافی نیست، باید خیرخواه جمیع عالم انسانی بود به فرموده جمال اقدس ابهی:

- آسایش هنگامی دست دهد که هرکس خود را نیک خواه همه روی زمین نماید. (دریای دانش، ص ۵)

- در جمیع احوال انسان باید مشبّث شود به اسبابی که سبب و علت امنیّت و آسایش عالم است. (همان، ص ۲۵)
- یا احبّائی، ما خلقتم لانفسکم بل للعالم - ضعوا ما ینفعکم و خذوا ما ینتفع به العالم. (گلزار تعالیم بهائی، ص ۱۷۰)
- انسان از برای اصلاح عالم آمده و باید لوجه الله به خدمت برادران خود قیام نماید. (همان، ص ۱۷۱)
- آن چه سبب نفع عالم است هر چه باشد لدی الله مقبول و محبوب و دون آن هر چه باشد مردود. چه که این ظهور محض نجات و اصلاح و اتّحاد و اتّفاق و راحت اهل عالم بوده. (همان، ص ۱۷۰)

### مبحث پنجم - ارتباط نظم اداری و نظم بدیع

هرچند به این موضوع اشاره ای اجمالی شده است؛ اما جا دارد که این مطلب بیشتر شکافته شود.

- در کتاب ارکان نظم بدیع (تألیف جناب دهقان) با اشاره به توقیعات حضرت ولیّ عزیز امرالله این اوصاف نظم بدیع ذکر شده است:
- بشارت دهنده تأسیس مدنیّت الهیّه است. (ص ۹)
- تجسّم قوّه قدسیّه الهیّه است. (ص ۸)
- نظمی است که شالوده حکومت عالم گیر بهائی در مستقبل ایام خواهد شد. (ص ۱۳)
- حافظ حکومت متّحده آینده جهانی بهائی است. (ص ۱۵)

در نصوص مبارکه گاه نظم اداری مترادف نظم بدیع تلقی شده و گاه متفاوت از آن چنان که در دست خطّ ۱۴ شهرالشرف ۱۳۲ بدیع بیت العدل اعظم الهی آمده که نظم اداری مقدمه نظم بدیع است.

- نظم اداری، هسته مرکزی و مظهر قوای مکنونه عالیّه محیطه نظم بدیع جهان آرای الهی است که بعداً استقرار می پذیرد و خود مبشر طلوع عصر ذهبی می شود.

و در موضع دیگر آمده (همان کتاب، ص ۳۴ - ۳۳) نظم بدیع چه در وهله کنونی و چه در حین بلوغ نهایی، وسیله و اسباب حصول هدف غایی یعنی تحقق مدنیت الهیه در بسط غبراست.

می توان چنین احتمال داد که این نظم اداری کنونی وقتی به مرحله پختگی (بلوغ) رسد شایسته عنوان نظم بدیع می شود و می تواند به عنوان هسته مرکزی حتی الگو و مدل نظم بدیع جهان آرای الهی تلقی گردد.

دو کلمه نظم و بدیع درخور تأمل بیشتر است.

فرهنگ فارسی معین این معانی را برای کلمه نظم قائل است: ۱. به رشته کشیدن جواهر. ۲. ترتیب دادن و آراستن. ۳. شعر گفتن یا گفتار موزون. ۴. ترتیب و آرایش به طور مطلق. ۵. سازمان و تشکیلات که این معنی اخیر مورد نظر ماست.

به نظر می رسد که حضرت بهاء الله در کتاب اقدس به معانی عربی نظم نظر داشته اند قاموس عربی المورد در باره نظم و نظام می گوید:

نظم یعنی تألیف، ترتیب دادن جواهر، شعر و مانند آن است اما نظام به معنی رژیم، سیستم، شکل حکومت، ترتیب، سازمان، ساخت ارگانیک، منهج، نسق و طریقه، قاعده، قانون و حکم است کلمه نظام مصادیقی متعدّد دارد نظام اقتصادی، نظام

قضایی و مانند آن و این کلمه بیشتر به مفهوم مورد نظر حضرت بهاء الله نزدیک است تا کلمه نظم که معانی محدودتری از نوع بیشتر ادبی دارد.

نخست، چون کلمه نظم (نظم بهاء الله) را حضرت ربّ اعلیٰ به کار برده‌اند، باید یادآور شد که حضرتش به نظم و ترتیب اهمّیت بسیار می‌دادند. در باب هفدهم از واحد دهم کتاب بیان می‌فرمایند:

باید روی تمام ارض، خانه‌ها، بازارها، و اماکن منظم باشند. هر صنفی در جای خود یعنی هر صنفی در جای واحد به اعلیٰ درجه نظم مطلوب قرار گیرد و اگر هر صنفی در سرایی باشد، اقرب به سود و تقوا است؛ پس اهل بیان باید تمام امور خود را در حدّ اکثر امکان منظم کنند و هر چه می‌سازند باید به درجه کمال باشد. حضرت اعلیٰ حتّی نظم در مخابرات (پست و تلگراف) را که در ارض فرنگ وجود دارد ستایش می‌فرمایند و تقویم بدیع نشانه بارزی از این نظم دوستی حضرت اعلیٰ است. بعید نیست که وقتی از نظم بهاء الله صحبت می‌کنند، مرادشان حسن ترتیب و انتظام کامل در امور دینی و تمدّن‌هاست که باید توسط من یظهره الله صورت تحقّق یابد.

در زبان‌های عربی معادل کلمه نظم Order یا Ordre به معنای دستور، گروه یا صنف خاصّ مذهبی یا اصناف جامعه (مثلاً سه صنف نجبا، روحانیون و عامّه مردم در رژیم سابق فرانسه) معمول و منظور بوده ولی به معنای سازمانی منتظم یا سیستم و منظومه یک کاربرد جدید است. در نظم یا منظومه یک رابطه منطقی و پیوستگی و تعامل میان اجزاء و عناصر یک مجموعه مورد نظر است.

در سازمان ملل متحد بود که اصطلاح نظم نوین اقتصادی و بعد هم نظم اکولوژیک مطرح شد. البته اندیشه یک نظم جهانی یا لا اقلّ نظمی اروپایی برای ایجاد صلح و اتحاد در میان ملل آن قاره بالنسبه قدیم است چنان‌که در مقاله‌ای از این جانب در مجله آئینه جهان آمده. اول تحقّق نظم بین‌المللی در جمعیت یا جامعه اتفاق ملل

بود که تقریباً هم‌زمان یا نزدیک به آغاز دوره ولایت اتفاق افتاد به دنبال پایان جنگ جهانی اول و قبول عهدنامه ورسای و به پیشنهاد پرزیدنت ویلسون که بعید نیست ایده آن را به تأثیر خطابات حضرت عبدالبهاء در آمریکا اتخاذ کرده باشد، ولی هنوز برای اندیشیدن به نظم جهانی که در اواخر قرن بیستم مطرح شد، خصوصاً از دهه نود به بعد راه طولانی در پیش بود.<sup>(۴)</sup>

همین که حضرت ولی‌ام‌الله نظم بهائی را با انظمه سائره اعم از تئوکراسی، دموکراسی و غیر آن مقایسه می‌فرمایند، گواه آن است که در ورای نظم اداری به نظم بدیع جهان آرای الهی می‌نگرند چنان‌که در توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴ آمده که:

- این نظم وسیع اداری یگانه حافظ حکومت‌های متّحده آینده بهائی است.  
- نظم اداری بهائی به منزله صدفی برای حفظ و صیانت گوهر گران‌بهای امرالله است و به مرور زمان واضح و مبرهن خواهد شد که این نظم عامل اصلیه‌ای است که این شرع انور را به مرحله نهائی [عصر طلایی] وارد خواهد کرد. و نیز می‌فرمایند:  
«نظم اداری بهائی حقایق سلیمه‌ای را که در انظمه دیگر هست می‌گیرد و با هم التیام و ربط می‌دهد بدون آن که حقایق خداداده‌ای را که آن نظم جهان‌آرا مبتنی بر آنست ضایع و مهممل سازد.»

و در عین حال یادآور می‌شوند که «قیاس این نظم فرید الهی با نظامات متنوعه‌ای که عقول بشری در ادوار مختلفه تاریخیه برای اداره مؤسسات خویش ایجاد کرده‌اند، کاملاً خطاست» یعنی شباهت در عناصر و آحاد و جزئیات هست ولی در کل، تفاوت کامل وجود دارد.

اما کلمه بدیع در لغت عرب فقط به معنای تازه نیست بلکه معانی متعدّد دیگری هم دارد از جمله درخور ستایش چشمگیر، عالی، شگفت و حیرت‌آور، بی سابقه، منحصر به فرد.<sup>(۵)</sup>

حضرت ولیّ عزیز امرالله به کزات فرموده‌اند که امر مبارک در همه جهات بدیع است. بدیع السّموات والارض است یعنی شبه و مانندی ندارد، نظم تشکیلاتی این امر الهی هم از همین مقوله است.

### مبحث ششم - ارتباط میان نظم اداری و میثاق بهائی

از معانی متعدّد میثاق که در آثار جناب جرج تاووزند آمده و جناب ادیب طاهرزاده در ظهور حضرت بهاء الله نقل کرده‌اند، فقط دو معنی این‌جا مورد نظر ماست یکی میثاق خاصّ به معنی جانشینی مظهر الهی و تبعیت از او و دیگری میثاق عالم الهی با بندگان که به موجب دستورات و فرامین الهی رفتار کنند.

حضرت ولیّ عزیز امرالله در تفسیر بشارات گذشته که در آثار مبارکه هم تأیید شده که به دنبال روز در این ظهور شب نخواهد بود فرموده‌اند که این به علت وجود میثاق و نظم اداری است که حافظ وحدت جامعه بهائی خواهد بود و اختلاف و انشقاق که نشان تاریکی است در آن واقع نخواهد شد. در دور بهائی، ص ۷۳ آمده:

«در هیچ‌یک از کتب مقدّسه ادیان عالم نمی‌توان راجع به عهد و میثاق و تدارک نظم اداری نصوصی یافت که از حیث درجه اعتبار با آن چه در این مورد در اساس آیین بهائی است قابل قیاس باشد.»

می‌دانیم که الواح وصایای حضرت عبدالبهاء که هم منشور نظم اداری مبارک است و هم حاوی قضیه میثاق یعنی جانشینی جمال مبارک و حضرت عبدالبهاء در عصور و ادوار آینده (بیت العدل و مقام ولایت) و این الواح وصایا در حکم حلقه ارتباطی لاینفصم است بین سه عصر تشریح، تکوین و عصر طلایی.

پس از جمله وظایف اصلیّه نظم اداری بهائی و در رأس آن بیت العدل اعظم حفظ وحدت جامعه و تمامت و اصالت کلمه الله در همه شرایط است که متأسفانه ادیان سابقه از این موهبت محروم بودند و گرفتار تجزیه و دست‌خوش هرگونه تحریف قرار گرفتند.

نظم اداری در عین حال که حافظ میثاق به معنی خاص آن است، در میثاق به معنی عام هم نقشی اساسی دارد از جمله در تشویق احباء بر ایفای وظایف اخلاقی و روحانی خود. از جمله این وظایف تبلیغ است که هر کس در آن اهتمام نکند، در ایفای عهد الهی قصور کرده است و حضرت عبدالبهاء به صراحت فرموده‌اند که محال و ممتنع است که بدون تبلیغ احبای الهی تأیید یابند.

در دور بهائی، ص ۹۴ آمده که این نظم به مثابه صدفی است برای حفظ و صیانت گوهر گران‌بهای امرالله.

نظم الهی البتّه ولید میثاق (خاص) است و در عین حال حافظ میثاق. حفظ وحدت جامعه در خلال نشیب و فراز تاریخ مدیون همین نظم اداری است و الا موارد نقض پس از صعود جمال ابهی، حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی ربّانی کم نبوده است.

### مبحث هفتم - انعطاف و تحوّل‌پذیری نظم اداری بهائی

قرائن بسیار حاکی از آن است که نظم اداری بهائی چنان که در گذشته تحوّل یافته در آینده ایام هم شاهد دگرگونی‌ها خواهد بود فقط کافی است تجربیات محفل روحانی را از زمان جمال مبارک، حضرت عبدالبهاء تاکنون در نظر آریم تا انعطاف تشکیلات بهائی به مقتضیات زمان بهتر درک شود.

پیتر اسمیت در دائرةالمعارف کوچک بهائی در زیر عنوان (Administration) به درستی گفته که نظم اداری در طول زمان بسط و تحوّل یافته و در حالی که در ابتدا بیشتر شخصی و غیر رسمی بود و متکی به رهبری و مدیریت محلی، متدرّجاً حالت سازمان رسمی یافت. وی می‌نویسد در زمان حضرت باب، مدیریت و رهبری خصوصاً در دست مآلهای سابق که حال بابی شده بودند، قرار داشت چون اکثر مردم از سواد و خطّ محروم بودند. در عصر رسولی یا قهرمانی امر مبارک از مدیریت و رهبری شخصیت‌هایی چون حجّت در زنجان و وحید در نیریز که بایان محلی هم دنباله‌رو آنان بودند تعجّب نباید کرد. با تبعید حضرت بهاءالله به نقاطی بعید در امپراطوری عثمانی ضرورت سازماندهی داخلی جامعه و برقراری ارتباطات فیما بین مطرح شد و کم‌کم تحوّل در امر رهبری روی داد. در زمان جمال مبارک و بخشی از دوران حضرت عبداله‌ای ام‌الله هنوز از معّمان Clerics سابق بودند. متدرّجاً افراد دیگری هم از جمله تاجران چون خاندان افنان و خانواده نهری موقعیت‌های مهمی در جامعه احراز کردند.

و با تحقّق وعده حضرت بهاءالله به آن که در هر شهری بیت‌العدل محلی تشکیل شود نظام سازمانی جدیدی از زمان حضرت عبداله‌ای به وجود آمد با شرکت حضرات ایادی و افراد منتخب و بعد البتّه در زمان حضرت ولی‌ام‌الله تشکیل محافل محلی نظم و ترتیب تازه‌ای پیدا کرد. مقاله‌ای که به قلم بنده در سال جاری در مجله پیام بهائی راجع به تحوّل نظام‌نامه محافل محلی آمده بر این دگرگونی دلالت دارد.

اما این تحوّلات مبانی اساسی نظام تشکیلاتی بهائی را عوض نکرد بلکه فقط در برخی تنظیمات و ترتیبات تغییری به وجود آورد؛ اما انعطاف تشکیلات در جامعه بهائی اجازه داد که در طول زمان مؤسّسات تازه‌ای به وجود آید چون دارالتبلیغ



بین‌المللی، هیأت‌های مشاورین، کمیته بین‌المللی حقوق‌الله و نظایر آن که همه متعلق به دوره تصدی بیت‌العدل اعظم هستند.

ناگفته نگذاریم که الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به عنوان منشور نظم اداری بهائی چنان که حضرت ولی‌ام‌الله فرموده‌اند در خود قوای مکنونه‌ای دارد که به مرور زمان به عرصه ظهور خواهد رسید.

گفتیم و تکرار می‌کنیم که در توفیق ۸ فوریه ۱۹۴۳ چنین آمده است:

«نظم اداری امرالله که از حین صعود حضرت عبدالبهاء تا کنون همواره در نشو و نما بوده به منزله قالب الواح وصایای مبارک است که این طفل نوزاد در آن حصن حصین پرورش یافته و رشد و نما می‌نماید و این نظم اداری چون توسعه یابد و اساسش تحکیم گردد، قطعاً قوای مکنونه و آنچه را که در هویت این سند خطیر [یعنی الواح وصایا] هست ظاهر و آشکار خواهد نمود».

در مجموعه توفیعات نظم جهانی بهائی آمده (ص ۳۱-۳۰):

«امر بهائی هیكلی زنده است ... کلمه ثابت و تغییرناپذیر امر الهی از یک طرف و از طرف دیگر انعطاف‌پذیری و ظایفی که بر عهده مجریان و کارگزاران بهائی نهاده‌اند ... این انعطاف‌پذیری سبب می‌شود که هیكل امرالله چون موجود زنده‌ای رشد و نما نماید و خود را با حوائج و مقتضیات دائم‌التغییر بشری منطبق و موافق سازد».

## نتیجه‌گیری

منشأ نظم اداری بهائی دو اثر مهم حضرت بهاء‌الله است یکی لوح عهدی برای تعیین مرکز میثاق و دیگری کتاب اقدس که بنیادگذار مؤسساتی چون بیت‌العدل،

مشرق‌الاذکار، حقوق‌الله، مؤسسه ایادی امرالله (به طور ضمنی) است. در آثار حضرت عبدالبهاء هم شاخص تر از همه الواح وصایاست که منشور نظم اداری امر مبارک دانسته شده. علاوه بر آن حضرت عبدالبهاء مکاتیب فراوانی در باره محافل روحانی، حقوق‌الله، ایادی امرالله، مشرق‌الاذکار، کلاس‌های درس اخلاق و ... صادر فرموده‌اند ولی در توقیعات حضرت ولی‌امرالله است که جنبه‌های اجرایی و طرق به راه انداختن محافل روحانی، کانون‌نشین، لجنه‌ها، فعالیت‌های تبلیغی و نظایر آن تشریح شده است.

عصر رسولی (از ۱۸۴۴ تا ۱۹۲۱) که عصر حماسی و قهرمانی و دوران بنیادگذاری بود، نیازی به تشکیلات نداشت یا نیازش محدود بود در عصر تکوین بود که با گسترش امر بهائی در ۳۵ کشور و پیچیده شدن امور دیگر نمی‌شد کارها را به ابتکارات فردی و محلی واگذار کرد چون آیین بهائی فقط به امور شرعی (ازدواج، طلاق، ارث ... الخ) نمی‌پردازد و امور مدنی - سیاسی - اقتصادی را هم شامل می‌شود؛ لذا برقراری یک نظام هماهنگ اداری در سراسر عالم ضرور بود کاری که به دست حضرت ولی‌امرالله در عصر تکوین که آغازش سال ۱۹۲۲ - ۱۹۲۱ است آغاز شده، ادامه دارد (تا عصر طلایی امر مبارک)

موضوع نظم اداری قسمت عمده توقیعات و مرقومات حضرت ولی‌امرالله را در دهه ۱۹۳۲-۱۹۲۲ تشکیل می‌دهد.

### یادداشت‌ها:

۱. رساله دور بهائی، ص ۷۲ (چاپ ۱۹۸۸)
۲. در فرهنگ فرانسوی علوم سیاسی تألیف داوید الکو و همکاران و همکاران (۲۰۱۰) خلاصه گویایی در مورد Administration یافت می‌شود.

۳. Encyclopedia of Governance, 2 Vol., Mark Bevir (Ed.), 2007 p

۴. New World Order اصطلاح نظم نوین جهانی را پرزیدنت بوش (پدر) در سپتامبر ۱۹۹۰ به کاربرد به مفهوم عصر جدیدی در همکاری بین‌المللی پس از پایان جنگ سرد.
۵. Admirable, Magistral انگلیسی - merveleux, sans precedent, unique فرانسه